



Phenomenography: a Qualitative Methodology at Information Retrieval Area Studies

T. Rigi¹
M. H. Dayani²
R. Fattahi³

Received: 2, Jan. 2019
Accepted: 8, May 2019

doi: 10.30484/nastinfo.2019.2329

Abstract

Purpose: The purpose of this paper is to introduce and presents a qualitative phenomenographical research methodology as a conceptual framework to do information retrieval area studies and, while the aim of reflecting on the features of this method for students and researchers interested in qualitative research methods.

Methodology: This article is a conceptual paper that introduces a phenomenographical qualitative research methodology based on an interpretive paradigm with a review/ analytical approach. Reviewing papers written by researchers such as Bruce, Limberg, Edwards, Forester and others. This paper tries to show the paradigm shift in the methodology of research (from positivism to interpretative paradigm) in the information retrieval area.

Findings: Since the 1980s, the paradigm shifts in information retrieval area studies among information retrieval researchers. Phenomenography, as an interpretative approach, is a method, which makes researchers able to consider the vraitey of the ways of experiencing a phenomenon in the world. In this method, participants are selected through purposive sampling, data are collected in semi-structured interviews and analyzed through theoretical coding, and the results will be presented in the form of descriptive categories as an outcome space.

Conclusion: In fact, counting and understanding phenomena from the perspective of certain user groups can provide a deeper, clearer, and more complete understanding of many of the questions raised in the field of information behavior researchs in information retrieval area, especially in user studies. This research method, while describing users' perceptions of their experience in information retrieval and search, offers a new territory to the end user studies. In addition, it gets acquainted the practitioners of this area with a new approach to the topic and, providing a more precise context for their services and practices.

¹ PhD Candidate, Knowledge and Information Science, Ferdowsi University of Mashhad, rigi66t@gmail.com

² Professor, Knowledge and Information Science, Ferdowsi University of Mashhad (Corresponding author), daneshvarz85@gmail.com

³ Professor, Knowledge and Information Science, Ferdowsi University of Mashhad, fattahirahmat@gmail.com

Keywords: Information retrieval area, Interpretative paradigm, Qualitative method, Phenomenography

تاریخ دریافت: 97/10/13

تاریخ پذیرش: 98/02/18

مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات،

دوره سی، شماره دوم، تابستان 1398، ص 18-38.

doi: 10.30484/nastinfo.2019.2329



پدیدارنگاری: روش پژوهش کیفی در مطالعات قلمرو بازیابی اطلاعات

¹ طاهره ریگی

² محمدحسین دیانی

³ رحمت‌الله فتاحی

چکیده

هدف: معرفی و ارائه روش پژوهش کیفی پدیدارنگاری به‌عنوان چهارچوبی مفهومی برای انجام پژوهش‌های قلمرو بازیابی اطلاعات و ارائه بازتاب ویژگی‌های این روش برای دانشجویان و پژوهشگران علاقه‌مند به روش‌های پژوهش کیفی.

روش‌شناسی: این مقاله با رویکردی مروری/تحلیلی از نوع مفهومی، روش پژوهش کیفی پدیدارنگاری ذیل پارادایم تفسیری را معرفی کرده است و با بررسی مطالعات پژوهشگرانی چون بروس، لیمبرگ، ادواردز، فورستر، و دیگران تلاش دارد تغییر پارادایمیک روش‌شناسی پژوهش (از پارادایم اثبات‌گرایی به پارادایم تفسیری) در قلمرو بازیابی اطلاعات را به تصویر بکشد.

یافته‌ها: توجه به ضرورت تغییر پارادایم در پژوهش‌های قلمرو بازیابی اطلاعات از دهه ۱۹۸۰ در میان پژوهشگران این قلمرو آغاز شد. روش پژوهش کیفی پدیدارنگاری، روشی است که تنوع در روش‌های تجربه‌های افراد از یک پدیده را بررسی می‌کند. در این روش، افراد از طریق نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و داده‌ها در قالب مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته گردآوری می‌شوند و از طریق کدگذاری نظری تحلیل و نتایج در قالب دسته‌های توصیفی به‌شکل فضای نتیجه ارائه خواهند شد.

نتیجه‌گیری: این روش پژوهش می‌تواند با شمارش و درک پدیده‌ها از نظر گروه‌های خاصی از کاربران، درک روشن‌تری نسبت به بسیاری از پرسش‌های مطرح در عرصه پژوهش‌های رفتار اطلاع‌یابی ارائه دهد و ضمن توصیف برداشت کاربران از تجربه آنها در جستجو و بازیابی اطلاعات، نگرشی جدید به قلمرو مطالعات کاربران نهایی ایجاد و دست‌اندرکاران این قلمرو را با رویکردی جدید، نسبت به موضوع آشنا کند و زمینه دقیق‌تری برای خدمات و عمل آنها به‌وجود آورد.

کلیدواژه‌ها: قلمرو بازیابی اطلاعات، پارادایم تفسیری، روش کیفی، پدیدارنگاری

¹ دانشجوی دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد rigi66t@gmail.com

² استاد گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول) daneshvarz85@gmail.com

³ استاد گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد fattahirahmat@gmail.com

مقدمه

آگاهی از چندوچون رفتارهای پیچیده انسانی در فرایند تشخیص نیازهای اطلاعاتی، جستجو و بازیابی اطلاعات، و بهره‌گیری از اطلاعات، یکی از دغدغه‌های عمده پژوهشگران قلمرو علم اطلاعات و دانش‌شناسی/ کتابداری و اطلاع‌رسانی بوده است. هم‌راستا با مطالعات نظام‌محور که دستیابی به کمی‌گرایی در قلمرو بازیابی اطلاعات را میسر می‌کرد (به‌طور مثال، ربط نتایج بازیابی‌شده در مقایسه با عبارت جستجو)، پژوهش‌های کاربرمحور کیفی که کاربر را نقطه کانونی معیار قضاوت ربط تلقی می‌کند نیز مورد توجه قرار گرفت (کلی¹، 2009). یکی از رویکردهای توجه به این مقوله، تمرکز بیشتر بر مطالعات کیفی از نوع پارادایم تفسیری در قلمرو بازیابی اطلاعات، به‌منظور درک عمیق تجربه‌های انسانی و مفاهیمی است که کاربران به تجربه‌های خود نسبت می‌دهند. چند پژوهشگر شناخته‌شده در این قلمرو که از اواخر دهه 1990 با استفاده از پارادایم تفسیری از نوع روش پدیدارنگاری²، کشف تفاوت میان تجربه‌های کاربران به‌هنگام بازیابی اطلاعات را پی گرفتند عبارت‌اند از: بروس³ (1997؛ 1999)، لیمبرگ⁴ (1999الف؛ 1999ب)، ادواردز⁵ (2004)، ادواردز و بروس⁶ (2006)، می‌بی⁷ (2006)، بیتس⁸ (2015)، فورستر⁹ (2013؛ 2018) صیاد عبدی، پارتیچ، و بروس¹⁰ (2013؛ 2016).

باید در نظر داشت که پدیدارشناسی¹¹ و پدیدارنگاری، روش‌های کیفی ذیل پارادایم تفسیری، اما کاملاً متفاوت هستند¹² که خاستگاه اولی از فلسفه، توسط ادmond هوسرل¹³ در اوایل قرن بیستم می‌باشد و افرادی چون مارتین هایدگر¹⁴، آلفرد شوتز¹، موریس مرلوپنتی²، و پیتر برگر³ ایده وی را در مطالعه زندگی اجتماعی

¹ Kelly

² Phenomenography

³ Bruce

⁴ Limberg

⁵ Edwards

⁶ Edwards & Bruce

⁷ Maybee

⁸ Yates

⁹ Forster

¹⁰ Sayyad Abdi, Partridge, & Bruce

¹¹ Phenomenology

¹² پدیدارشناسی و پدیدارنگاری دو نوع متفاوت روش پژوهش با پارادایم تفسیری هستند که متأسفانه در ایران این تفاوت به‌خوبی شناخته

نشده است و بسیاری از افراد این دو را به‌جای یکدیگر به‌کار می‌برند. برای درک بهتر این تفاوت بین این دو نوع روش‌شناسی دیدگاه‌های صاحب‌نظران حوزه‌های مختلف علوم را در شبکه اجتماعی علمی ریسرچ‌گیت می‌توان مورد بررسی و تأمل قرار داد:

[https://www.researchgate.net/post/What are the differences between phenomenography and phenomenology in _qualitative_research](https://www.researchgate.net/post/What_are_the_differences_between_phenomenography_and_phenomenology_in_qualitative_research)

¹³ Edmund Husserl

¹⁴ Martin Heidegger

انسانی به کار بردند و این در حالی است که پدیدارنگاری را نخستین بار در 1979 در دانشگاه گوتنبرگ⁴ سوئد توسط فرنس مارتون⁵ به کار برده شد. گرچه این دو روش تجربه‌های انسانی را بررسی می‌کنند؛ اما در اولی، شباهت و در دومی اختلاف⁶ در تجربه‌های افراد، بررسی و مطالعه می‌شوند. هرچند که این دو روش کیفی خیلی نزدیک و مرتبط به هم هستند، اما هر یک اهداف، روش، و نتایج متفاوتی دارند؛ بنابراین نمی‌توانند به جای یکدیگر به کار روند (لارسون و هولم‌استروم⁷، 2007). بر این اساس، در روش پدیدارشناسی، ذات و ماهیت پدیده پرسیده می‌شود؛ در حالی که در پدیدارنگاری، به چگونگی تجربه، درک، و مفهوم‌سازی پدیده توجه می‌شود (کاسشام⁸، 2017). روش پژوهش پدیدارنگاری، شیوه‌های متنوع کیفی را در افرادی مطالعه می‌کند که پدیده را تجربه می‌کنند. در واقع این روش، توصیف پدیدارشدن‌هاست و شیوه‌های متفاوت پدیدارشدن یک پدیده در افراد گوناگون را توصیف می‌کند (مارتون⁹، 1981). این روش به توصیف تفاوت‌های کیفی کمک می‌کند نه توضیح علت وجود این تفاوت‌ها (رز، لو هیرون، و سوفات¹⁰، 2005). هدف این رویکرد، طبقه‌بندی افراد، مقایسه گروه‌ها، توضیح، و پیش‌بینی یا قضاوت خوب و بد درباره افراد نیست، بلکه هدف، یافتن و منظم‌ساختن اشکال افکار کاربران (ذهنیت‌ها یا الگوهای ذهنی) به گونه‌ای است که خود افراد جنبه‌های مختلف واقعیت را تفسیر می‌کنند. این نوع پژوهش، افزون بر آنکه می‌تواند به‌عنوان یک پژوهش مستقل به بررسی تجربه‌های متفاوت از یک پدیده در افراد مختلف بپردازد، همچنین می‌تواند مکمل دیگر انواع پژوهش‌ها باشد و هدف آن توصیف، تحلیل و فهم تجربه‌هاست (مارتون، 1981).

مرور پژوهش‌های قلمرو کتابداری و اطلاع‌رسانی در سه دهه اخیر نشان می‌دهد گرایش‌های پژوهش‌های آموزشی، در حال ظهور است که بر درک فرایند جستجوی کاربران از طریق تجربه‌های کاربران تأکید دارد. برای نمونه، کولثا¹¹ (1993)، لیمبرگ (2000الف)، و ادواردز و بروس (2006) در مطالعات خود، تفاوت‌های تجربه کاربران در زمان جستجو و بازیابی اطلاعات را بررسی کردند و بیان داشتند که شکافی بین فرایند جستجو و نتایج یادگیری وجود دارد. در این راستا، پرسشی مطرح می‌شود: مشخص نیست کاربران چگونه تجربه‌های

¹ Alfred Schütz

² Maurice Merleau-Ponty

³ Peter Berger

⁴ Gothenburg

⁵ Ference Marton

⁶ Variation

⁷ Larsson & Holmström

⁸ Cossham

⁹ Marton

¹⁰ Rose, Le Heron, & Sofat

¹¹ Kuhlthau

منحصربه‌فرد خود در فرایند جستجو و بازیابی اطلاعات را توصیف و گزارش می‌کنند. به بیان دیگر، آنها این تجربه‌ها را چگونه درک کرده و بازگو می‌کنند؟ برای پاسخ به این دست پرسش‌ها می‌توان از روش پژوهش کیفی پدیدارنگاری بهره برد. با توجه به اینکه تاکنون در رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی / علم اطلاعات و دانش‌شناسی در ایران هیچ‌کس با استفاده از پارادایم تفسیری از نوع روش کیفی پدیدارنگاری مطالعه‌ای انجام نداده است. از این رو و با توجه به اهمیتی که این نوع روش در بررسی اختلاف تجربه‌های افراد دارد، همچنین مغفول‌ماندن این روش در این علم ضرورت ارائه مقاله‌هایی از نوع مفهومی¹ به شدت احساس می‌شود و این مقاله با این هدف نوشته شده است. در ادامه با مرور متون مرتبط، تغییر پارادایمیک قلمرو بازیابی اطلاعات در پژوهش‌های مطالعات کاربران به تصویر کشیده می‌شود و سرانجام، گرایش پژوهش‌های این قلمرو به پارادایم تفسیری از نوع پدیدارنگاری مرور می‌شود.

حرکت از پارادایم اثبات‌گرایی به تفسیری در قلمرو پژوهش‌های بازیابی اطلاعات

قلمرو بازیابی اطلاعات یکی از زمینه‌های اصلی پژوهشی در رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی است (پائو²، 1378). با توجه به اهمیت کاربران به‌عنوان رکن اصلی این پژوهش‌ها، پژوهشگران از طریق روش‌های متفاوت کیفی و کمی آنها را مطالعه و بررسی کرده‌اند. توجه به تجربه‌های منحصر به فرد کاربران اهمیت زیادی دارد. تأکید بر تغییر پارادایم در قلمرو بازیابی اطلاعات از حدود دهه 1980 در آثار پژوهشگرانی چون بلکین³ (1980؛ 1990)، ویلسون⁴ (1981)، دروین و نیلان⁵ (1986)، فیدل⁶ (1993)، بروس (1997)، لیمبرگ (1999؛ الف؛ 1999 ب)، آندرتا⁷ (2007) و دیگر پژوهشگران این قلمرو مطرح شد. بررسی سیر تکوینی متون، حرکت موازی تغییر پارادایمیک روش‌شناسی پژوهش و تمایل به انجام پژوهش‌های کیفی و نیز استفاده از آن را در این پژوهش‌ها نشان می‌دهد (دروین و نیلان، 1986؛ ژولن⁸، 1996؛ وستبروک⁹، 1997؛ لیمبرگ، 2000 ب؛ بروس، 1999).

¹ Conceptual article

² Pao

³ Belkin

⁴ Wilson

⁵ Dervin & Nilan

⁶ Fiedel

⁷ Aandertta

⁸ Julen

⁹ Westbrook

مطالعات کیفی کاربرمدار، قویاً متأثر از روان‌شناسی شناختی بود که به ورود «دیدگاه شناختی»¹ در علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی منجر شد. دروین و نیلان (1986)، آلن² (1991) و اینگورسن و یارولین³ (2005) نسبت به دیگر پژوهشگران بحث و تفسیرهایی مفصلی در این زمینه ارائه داده‌اند و رویکرد پژوهش‌های خود را از اثبات‌گرایی به سمت پارادایم تفسیری سوق داده‌اند. از دیدگاه این پژوهشگران، یک ویژگی مهم دیدگاه شناختی این است که بر کاربران و جستجو و بازیابی اطلاعات و نیازهای اطلاعاتی آنها به‌عنوان موقعیت‌ها و دغدغه‌های خود آنها متمرکز است و به تعامل آنها با کتابخانه و سامانه‌های بازیابی اطلاعات محدود نمی‌شود و لازم است به خود کاربران و تجربه‌های کاربر نیز توجه ویژه‌ای داشت.

بیشتر پژوهش‌های پیشین تأکید بر رویکرد اثبات‌گرایی و کمی‌سازی داده‌ها برای شناسایی رابطه یا سنجش تفاوت‌ها بین گروه‌های مختلف در یکسان‌سازی تجربه‌های کاربران داشته‌اند؛ اما از پژوهش‌های کیفی برای مرور پژوهش‌های کمی و کمک به تشریح سازوکارها یا پیوندهای نظریه‌ها یا مدل‌های علی استفاده می‌شود. گرچه در پژوهش‌های با رویکرد کمی نظریه‌های مورد پژوهش، تصویری کلی از روندها، هم‌آیندی‌ها⁴ و روابط روابط ارائه می‌کنند اما درباره نحوه واکنش افراد، بستری که این واکنش‌ها در آن رخ داده است، و اندیشه‌ها و رفتارهای عمیقی که در پس واکنش آنهاست چیزی نمی‌گویند (کرسول⁵، 1391). این در حالی است که در پژوهش‌های کیفی، به‌ویژه در پارادایم تفسیری، موضوعی متفاوت با آنچه در پژوهش‌های کمی و آنچه اثبات‌گرایان به آن پایبند هستند، در جریان است. در واقع، آنها بر این موضع اصرار می‌ورزند که پویایی و ماهیت معنابخشی تجربه‌های کاربران مستلزم فهم و درک صحیح هستند، مسئله‌ای که در پژوهش‌های کمی نادیده گرفته می‌شود. در این راستا، روش پژوهش کیفی پدیدارنگاری از آن دسته پژوهش‌هایی است که کمک می‌کند از طریق مصاحبه‌های عمیق به این درک و فهم از تجربه‌های کاربران رسید.

درواقع می‌توان گفت در مقایسه با رویکردهای کمی و اثبات‌گرایانه که پژوهشگران بیشتر از آن استفاده می‌کنند، روش پژوهش کیفی پدیدارنگاری از روش‌هایی است که در پارادایم تفسیری ارائه شده است و محملی برای برآوردن دغدغه پیشین (نگاه کمی در اثبات‌گرایی) است. این روش به دنبال تعمیم و تبیین نبوده و درصدد غنابخشی به فهم پژوهشگر درباره یک پدیده، از گذرگاه گردآوری و طبقه‌بندی و ترکیب برداشت‌ها یا تجربه‌های متفاوت کاربران درباره پدیده مدنظر است (بروس، 1997؛ 1999؛ لیمبرگ، 1999؛ 2000 الف؛ ادواردز

¹ Cognitive viewpoint

² Allen

³ Ingwersen & Jarvelin

⁴ Association

⁵ Creswell

و بروس، 2004؛ ادواردز، 2004؛ صیادعبدی و همکاران، 2013؛ 2016). در روش پدیدارنگاری، پژوهشگر ابتدا با مصاحبه‌های عمیق و تحلیل آنها شیوه‌های مختلف درک یک پدیده تجربه‌شده را از هم جدا می‌کند، سپس درون هر کدام از این شیوه‌های مختلف، روابط بین عناصر را تعیین کرده و درنهایت تفسیرها و معانی‌ای را که از این تجربه‌های منتج می‌شود، مشخص می‌سازد (بریو¹، 2001).

مروری بر پژوهش‌های انجام‌شده با روش پژوهش کیفی پدیدارنگاری

روش کیفی پدیدارنگاری، روشی است که تنوع در تجربه‌های افراد از یک پدیده را بررسی می‌کند. روند کلی این روش به این شکل است که پس از نگارش طرح پژوهش، افرادی که بتوانند بیشترین اطلاعات را ارائه دهند از طریق نمونه‌گیری هدفمند به‌عنوان مشارکت‌کنندگان پژوهش انتخاب می‌شوند. سپس برای گردآوری داده‌ها، از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با پرسش‌های محرک استفاده می‌شود. پس از آن اطلاعات به‌دست‌آمده با استفاده از کدگذاری نظری خلاصه‌شده و طبقه‌های توصیفی از آنها استخراج می‌شود. هر کدام از این طبقه‌های توصیفی معرف مفهوم متفاوتی از پدیده‌ای واحد در نزد گروه خاصی از افراد است. این طبقه‌ها از دو عنصر «ارجاعی» و «ساختاری» تشکیل می‌شوند، «عنصر ارجاعی»، به‌معنای عام نسبت داده‌شده به پدیده یا چستی آن پدیده اشاره دارد. «عنصر ساختاری» که در آن پدیده و بخش‌های تشکیل‌دهنده آن محدود شده و به شکل «افق درونی» و «افق بیرونی» پدیده با هم ارتباط پیدا می‌کنند. «افق درونی» نشان می‌دهد که چگونه بخش‌های یک پدیده درک شده و به یکدیگر مرتبط می‌شوند. «افق بیرونی» نیز به مرز پدیده از بستر خود گفته می‌شود و درواقع همان مرزی است که مشارکت‌کنندگان در آن جهان، پدیده مطالعه‌شده را می‌بینند و به آن مرز ادراکی نیز گفته می‌شود (بارنارد، مک‌کاسکر، و گربر²، 1999؛ مک‌کاسکر، بارنارد، و گربر³، 2003؛ دانایی‌فرد و کاظمی، 1398؛ محمدپور، 1390). درنهایت، طبقه‌ها در قالب «فضای نتیجه»⁴ ارائه می‌شوند (مارتون، 1986؛ اسونسون⁵، 1997؛ لیندر و مارشال⁶، 2003؛ بیتس، پارتریج، و بروس⁷، 2012؛ مارتون و بوث⁸، 2013).

¹ Brew

² Barnard, McCosker, & Gerber

³ McCosker, Barnard, & Gerber

⁴ Outcome space

در نتایج پژوهش‌ها پس از تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه و کدگذاری آنها پس از چندین مرحله به دسته‌ای از طبقات توصیفی می‌رسیم که در قالب فضایی با عنوان فضای نتیجه یا فضای برون‌داده ارائه می‌شود.

⁵ Svensson

⁶ Linder & Marshall

⁷ Yates, Partridge, & Bruce

⁸ Marton & Booth

نگاه کلی در پایگاه استنادی اسکاپوس¹ به پژوهش‌هایی که ذیل پارادایم تفسیری از نوع روش کیفی پدیدارنگاری در رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی² در جهان از سال 1997 تاکنون انجام شده است، نشان می‌دهد که این رویکرد در برخی کشورها از جمله استرالیا، سوئد، انگلیس، و امریکا بیشتر توجه شده است. این در حالی است که در بسیاری از کشورها از جمله ایران هیچ‌گونه پژوهشی در رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی با این روش انجام نشده است. جدول 1، خلاصه بعضی از پژوهش‌هایی را نشان می‌دهد که از ابتدا تاکنون در قلمرو بازیابی اطلاعات در کتابداری و اطلاع‌رسانی/ علم اطلاعات و دانش‌شناسی انجام شده است.

جدول 1. مروری بر پژوهش‌های انجام‌شده با روش پدیدارنگاری

نویسندگان (سال)	عنوان	حوزه موضوعی	نوع روش	ابزار مشارکت‌کنندگان	یافته‌ها
بروس (۱۹۹۴)	پژوهشی در تجربه‌های اولیه دانشجویان در بررسی پیشینه پایان‌نامه	کتابداری و اطلاع‌رسانی/ جستجو و بازیابی اطلاعات	پدیدارنگاری	مصاحبه ۴۱ دانشجوی	پیشینه پژوهش به‌مثابه لیست پیشینه پژوهش به‌مثابه جستجو پیشینه پژوهش به‌مثابه بررسی پیشینه پژوهش به‌مثابه ابزاری برای یادگیری پیشینه پژوهش به‌مثابه تسهیل‌کننده پژوهش پیشینه پژوهش به‌مثابه گزارش
بروس (۱۹۹۷)	تجربه استفاده مؤثر از اطلاعات را در استادان دانشگاه	کتابداری و اطلاع‌رسانی/ بازیابی اطلاعات- سواد اطلاعاتی	پدیدارنگاری	مصاحبه استادان	- سواد اطلاعاتی به‌مثابه مفهوم فناوری اطلاعات - سواد اطلاعاتی به‌مثابه مفهوم منابع اطلاعاتی - سواد اطلاعاتی به‌مثابه مفهوم فرایند یا روند اطلاعات - سواد اطلاعاتی به‌مثابه مفهوم کنترل اطلاعات - سواد اطلاعاتی به‌مثابه مفهوم ساخت دانش - سواد اطلاعاتی به‌مثابه مفهوم گستره و توسعه دانش - سواد اطلاعاتی به‌مثابه مفهوم خرد
لیمبرگ (۱۹۹۹)	ارائه سه مفهوم برای جستجو و استفاده اطلاعات	کتابداری و اطلاع‌رسانی/ بازیابی اطلاعات - جستجو و استفاده از اطلاعات		مصاحبه ۲۵ دانش‌آموز	یافتن اطلاعات عینی یا واقعی ایجاد توازن اطلاعات برای انتخاب درست بررسی و تجزیه و تحلیل اطلاعات

¹ Scopus

² راهبرد جستجوی به‌کار برده‌شده در پایگاه اطلاعاتی اسکاپوس به‌صورت زیر شکل گرفت:

TITLE-ABS ("information science") AND TITLE-ABS (phenomenography) AND (LIMIT-TO (PUBYEAR , 1994-2019)

نویسندگان (سال)	عنوان	حوزه موضوعی	روش	ابزار مشارکت کنندگان	یافته‌ها
بروس، فام، و استودلی ^۱ (۲۰۰۲)	آگاهی جمعی از پژوهش فناوری اطلاعات: ارزش و اهمیت پروژه‌های پژوهشی	کتابداری و اطلاع‌رسانی و فناوری اطلاعات	پدیدارنگاری	مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۱۱ پژوهشگر فناوری اطلاعات و کاربر	تجربه پژوهش به‌مثابه: مفهوم هدف‌های شخصی، مفهوم جاری و به‌روبودن پژوهش، مفهوم طرح پژوهش، مفهوم نتایج برای کاربران نهایی و پژوهشگران قلمرو فناوری، و مفهوم حل‌کردن مشکلات در دنیای واقعی
ادواردز و بروس (۲۰۰۶)	در جستجوی طلا: فهم تجربه‌های جستجوی اطلاعات در دانشجویان	کتابداری و اطلاع‌رسانی/بازیابی اطلاعات - جستجو و بازیابی اطلاعات	پدیدارنگاری	مصاحبه ۳۲ دانشجو	جستجو و بازیابی اطلاعات به‌مثابه جستجوی سوزن در انبار کاه جستجو و بازیابی اطلاعات به‌مثابه یافتن راه از طریق ماز (مسیر معماگونه) جستجو و بازیابی اطلاعات به‌مثابه ابزاری برای پالایش و محدودسازی دامنه جستجو جستجو و بازیابی اطلاعات به‌مثابه جستجوی فلزی کمیاب چون طلا
می‌بی (۲۰۰۶)	ادراکات دانشجویان کارشناسی از مفهوم استفاده اطلاعات: مبنایی برای خلق راهنمای سواد اطلاعاتی کاربر محور برای دانشجویان	کتابداری و اطلاع‌رسانی/بازیابی اطلاعات - سواد اطلاعاتی	پدیدارنگاری	مصاحبه دانشجویان کارشناسی	استفاده از اطلاعات به‌مثابه یافتن اطلاعات در منابع اطلاعاتی استفاده از اطلاعات به‌مثابه آغاز یک فرایند استفاده از اطلاعات به‌مثابه شکل‌گیری پایگاه دانشی فرد برای اهداف متنوع
پارتریج و ادواردز ^۲ (۲۰۰۶)	کشف تجربه مهارت‌های جستجوی مبتنی بر وب	کتابداری و اطلاع‌رسانی - بازیابی اطلاعات	آمیخته: پیمایش و پدیدارنگاری	پرسشنامه و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته	به‌عقیده دانشجویان استفاده از این محیط جستجو آسان و قابل‌فهم، انعطاف‌پذیر و کمک‌کننده بوده و درواقع استفاده از این محیط به‌عنوان یک فناوری جدید رضایت‌بخش، سودمند، و لذت‌بخش بوده است.
لیمبرگ و ساندین ^۳ (۲۰۰۶)	آموزش اطلاع‌یابی: ارتباط آموزش سواد اطلاعاتی با نظریه‌های رفتار اطلاعاتی	آموزش و پرورش/ کتابداری - جستجو و بازیابی اطلاعات	پدیدارنگاری	مصاحبه با ۱۳ معلم و ۵ کتابدار	در یافته‌ها، شکافی بین تجربه‌های محتوای آموزشی شناسایی شد. این شکاف بر منابع و تجربه‌های معیارهای ارزیابی به‌کار برده‌شده توسط دانشجویان در اهمیت‌دادن به صحت وقایع و تجزیه و تحلیل اطلاعات متمرکز است.
پارتریج، ثورپ، و ادواردز ^۴ (۲۰۰۷)	تجربه شاغلان و مفهوم عمل مبتنی بر شواهد کتابداری و اطلاع‌رسانی (EBLIP): یک مطالعه اکتشافی	کتابداری و اطلاع‌رسانی	پدیدارنگاری	مصاحبه نیمه‌ساختاریافته	تجربه عمل مبتنی بر شواهد در کتابداری و اطلاع‌رسانی در متخصصان اطلاع‌رسانی به چهار شیوه: - عمل مبتنی بر شواهد در کتابداری و اطلاع‌رسانی مرتبط نیست؛ - عمل مبتنی بر شواهد در کتابداری و اطلاع‌رسانی از تجربه یاد می‌آموزد؛ - عمل مبتنی بر شواهد در کتابداری و اطلاع‌رسانی بهبوددهنده خدمات است؛ - عمل مبتنی بر شواهد در کتابداری و اطلاع‌رسانی کلاً مصرف‌کننده است.

¹ Bruce, Pham, & Stoodley

² Partridge & Edwards

³ Limberg & Sundin

⁴ Partridge, Thorpe, & Edwards

⁵ Evidence Based Library and Information Practice

نویسندگان (سال)	عنوان	حوزه موضوعی	روش	ابزار مشارکت کنندگان	یافته‌ها
ویرکاس و بامیگیولا ^۱ (۲۰۱۱)	شناسایی مفاهیم و تجربه‌های استفاده از ابزارهای وب ۲.	کتابداری- جستجو و بازیابی اطلاعات	پدیدارنگاری	مصاحبه با ۱۲ دانشجوی کارشناسی ارشد	ابزارهای وب شامل: - مفاهیم ارتباطاتی؛ - مفاهیم آموزشی؛ - مفاهیم حرفه‌ای؛ - مفاهیم چندمنظوره
گراس و لاثام ^۲ (۲۰۱۱)	تجربه‌ها و درک اطلاعات: مطالعه پدیدارنگارانه دانشجویان سال اول	کتابداری و اطلاع‌رسانی/ بازیابی اطلاعات	پدیدارنگاری	۷۷ مصاحبه	مفهوم یافتن اطلاعات به‌مثابه محصول نه فرایند؛ مفهوم فناوری اطلاعات به‌مثابه اولین راه برای دستیابی به اطلاعات؛ مفهوم افراد دارای اطلاعات به‌عنوان راهی برای رسیدن به اطلاعات؛ مفهوم کیفیت اطلاعات
دیم و لاپتون ^۳ (۲۰۱۲)	رویکردهای یادگیری سواد اطلاعاتی: مطالعه پدیدارنگارانه	آموزش عالی و کتابداری و اطلاع‌رسانی - سواد اطلاعاتی	پدیدارنگاری	مصاحبه با ۱۵ دانشجوی علوم تربیتی	راهکارهای اصلی برای یادگیری سواد اطلاعاتی شامل: - یادگیری با عمل - یادگیری با آزمون و خطا - یادگیری با تعامل با دیگران
صیاد عبدی و همکاران (۲۰۱۳)	طراحان وب‌سایت: چگونه سواد اطلاعاتی را تجربه می‌کنند؟	کتابداری و اطلاع‌رسانی - سواد اطلاعاتی	پدیدارنگاری	مصاحبه چهار طراح وب‌سایت	شیوه‌های تجربه سواد اطلاعاتی: - حل مسئله - استفاده از بهترین عمل - استفاده از دانش پایه - ایجاد یک وب‌سایت موفق - بودن جزئی از جامعه یادگیری از عمل
فورستر (۲۰۱۵)	روش‌های تجربه سواد اطلاعاتی پرستاران: یافته‌های پژوهش پدیدارنگاری	کتابداری- سواد اطلاعاتی و پرستاری	پدیدارنگاری	مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۴۱ پرستار	دستیابی به شش مضمون و هفت دسته‌بندی توصیفی برای توصیف سواد اطلاعاتی پرستاران
اندرسون، ویلیام، سوستروم-استراند، و بورگلم ^۴ (۲۰۱۵)	توصیف پرستاران از مراقبت: یک مطالعه پدیدارنگارانه	پزشکی - پرستاری	پدیدارنگاری	مصاحبه با ۲۱ پرستار	مراقبت به‌مثابه شخص-محوری مراقبت به‌مثابه محافظت از بهترین منافع بیمار مراقبت به‌مثابه مداخلات پرستاری و..

¹ Vircus & Bamigbola

² Gross & Latham

³ Diehm & Lupton

⁴ Andersson, Willman, Sjöström-Strand, & Borglin

نویسندگان (سال)	عنوان	حوزه موضوعی	روش	ابزار مشارکت‌کنندگان	یافته‌ها
می‌بی، بروس، لوپتون، و ربمن ^۱ (۲۰۱۷)	طراحی تجربه‌های اطلاعاتی جهت شکل‌دهی بروندهای آموزشی	کتابداری و اطلاع‌رسانی و آموزش عالی	پدیدارنگاری	مصاحبه با یک استاد و پنج دانشجو	تجربه تدریس معلم در دانشجویان شامل: به‌مثابه راهی جدید برای یادگیری به‌مثابه دست‌ورعملی برای نوشتن مقاله تخصصی به‌مثابه دست‌ورعملی برای نوشتن مقالات عمومی
پارتریج ^۲ و همکاران (۲۰۱۸)	تجربه‌های اطلاعاتی والدین در گفت‌وگو با فرزند پس از جدایی	کتابداری و اطلاع‌رسانی و روان‌شناسی	پدیدارنگاری	مصاحبه تلفنی عمیق و نیمه‌ساختاریافته ۲۰ مشارکت‌کننده	پنج مضمون اصلی از تجربه اطلاعات والدین شامل: - پیروی - توجه - درون فردی - پیشینه - بافت

این روش پژوهش از دهه ۱۹۹۰ در رشته علم اطلاعات استفاده شده است. اولین مطالعه با این روش پژوهش توسط کتابداران را بروس در سال ۱۹۹۲ در رساله دکتری خود به‌کار برد و به بررسی تجربه ۴۱ دانشجوی دکتری در زمینه پیشینه پژوهش پرداخت، همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌کنید وی گزارش کارش را در سال ۱۹۹۴ در نشریه مطالعات آموزش بزرگسالان^۳ به چاپ رساند (بروس، ۱۹۹۷؛ ۱۹۹۴). وی در سال ۱۹۹۷، تجربه استفاده مؤثر از اطلاعات را در استادان دانشگاه بررسی کرد و پس از مدتی پژوهشگری سوئدی تجربه اطلاع‌یابی را بین دانش‌آموزان مورد توجه قرار داد (لیمبرگ، ۱۹۹۸) و پس از آن، این روش به‌ویژه توسط بروس، ادواردز، و لیمبرگ، و پژوهشگران دیگر در پژوهش‌های متعددی مورد توجه قرار گرفت. در این جا قبل از پرداختن به مطالعات بیشتر لازم است بعضی از مزایا و معایب این روش نیز بیان شود، پدیدارنگاری در واقع به افراد و تجربه آنها از یک پدیده در جهان اطرافشان توجه دارد. این روش برای پژوهش‌های بازیابی اطلاعات در رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی دارای مزیت‌هایی است که آن را ارزشمند می‌کند، مثلاً می‌توان گفت که سیستم‌های اطلاعاتی نه فقط برای کتابخانه، آرشیوها، و مراکز اطلاع‌رسانی بلکه برای کاربران نهایی نیز ایجاد می‌شوند، این کاربران تمایل دارند که تجربه کار با رایانه، تلفن‌های همراه و هوشمند، و رایانه‌های لوحی را با اینترنت در موتورهای جستجو و پایگاه‌های اطلاعاتی و شبکه‌های اجتماعی تجربه کنند و تجربه آنها در ارتباط با فناوری‌های اطلاعات حتی بدون کمک‌گرفتن از کارشناسان و متخصصان خبره به آنها درکی از سیستم‌های اطلاعاتی می‌دهد که نسبت به هم‌تایان قبلی آنها می‌توانند تجربه‌ای قابل توجه داشته باشند که دانستن این

^۱ Maybee, Bruce, Lupton, & Rebmann

^۲ Partridge

^۳ Studies in higher education

تجربه‌ها برای بهبود سیستم‌های اطلاعاتی مهم است (کاسشام، 2017). همچنین این روش، کمک می‌کند تا دامنه‌ای از راه‌های ممکن برای تجربه یک پدیده خاص که با هم یک فضای نتیجه را ایجاد می‌کند، شکل گیرد و این فضا می‌تواند به‌عنوان تحلیل گروهی/تحلیل جمعی¹ از تجربه‌های فردی توصیف شود (آکرلند²، 2008). از نگاه دیگر می‌توان گفت هم‌زمان کاربران مفاهیم متفاوتی را به یک پدیده واحد اختصاص می‌دهند به‌طور مثال، پدیده جستجو و بازیابی اطلاعات از دیدگاه کاربران مختلف ممکن است با مفاهیم متفاوتی چون «مفید»، «ارزشمند»، «گنجینه»، «پل»، و «طعم دلپذیر» توصیف شود که دانستن این توصیف‌ها برای متخصصان در ارائه خدمات و طراحی و بهبود سیستم‌های اطلاعاتی بهتر کمک می‌کنند. در زمینه معایب این روش می‌توان گفت مهم‌ترین عیب این است که پدیدارنگاری را با پدیدارشناسی یکی می‌دانند (دانایی‌فرد و کاظمی، 1389) که پیش‌تر تفاوت این دو به اختصار بیان شده است. همچنین بعضی از پژوهشگران، پدیدارنگاری را روش نمی‌دانند (محمدپور، 1390) و برخی آن را مشابه نظریه زمینه‌ای می‌دانند (ریچاردسون³، 1997؛ نقل در کاسشام، 2017)، و برخی بیان می‌کنند آیا نتایج این روش واقعی است؟ (سندبرگ⁴، 1997؛ نقل در کاسشام، 2017) که برای تک‌تک موارد پاسخ‌هایی در مقالات ارائه شده است و تعداد مقالات متعدد در نشریات علمی معتبر جهان و نمایه‌شده در پایگاه‌های استنادی نشان از روش‌بودن پدیدارنگاری و اهمیت و کارایی این روش دارد.

به بعضی از مطالعات و نتایج آنها که با روش پژوهش کیفی از نوع پدیدارنگاری انجام شده‌اند، در جدول 1 و در ادامه پرداخته شده است. در بررسی تجربه‌های سواد اطلاعاتی مریبان با رویکرد پدیدارنگاری، بروس (1997) زمینه جدیدی را به‌واسطه توصیف الگوهای اختلاف در این تجربه‌ها مطرح کرد. یافته‌های او هفت سطح از سواد اطلاعاتی سازمان‌یافته در ساختار سلسله‌مراتبی را تشکیل داد که سطح اول محدودترین و سطح هفتم پیچیده‌ترین سطح بود. با تأکید بر دیدگاه پدیدارنگاری، هفت سطح/وجه که با هم سواد اطلاعاتی را تشکیل می‌دهند به شرح ذیل است:

- وجه اول، مفهوم فناوری اطلاعات: بهره‌گیری از فناوری اطلاعات برای بازیابی اطلاعات و برقراری ارتباط؛
- وجه دوم، مفهوم منابع اطلاعاتی: جستجو و یافتن اطلاعات در منابع اطلاعاتی؛
- وجه سوم، مفهوم فرایند یا روند اطلاعات: اجرای یک فرایند اطلاع‌یابی برای بازیابی اطلاعات؛
- وجه چهارم، مفهوم کنترل اطلاعات: سازماندهی و کنترل اطلاعات؛

¹ Collective analysis

² Akerlind

³ Richardson

⁴ Sandburg

وجه پنجم، مفهوم ساخت دانش: ساخت یا ایجاد پایگاه دانشی تخصصی مبتنی بر علاقه به قلمروهای جدید؛ وجه ششم، مفهوم گستره و توسعه دانش: کار با دانش و چشم‌اندازهای شخصی مبتنی بر انطباق با شیوه‌های همانند راه کسب بینش و درک موضوع؛ و

وجه هفتم، مفهوم خرد: استفاده خردمندانه از اطلاعات با مشارکت در چرخه تولید دانش به نفع دیگران. با وجود توسعه رسانه‌های دیجیتال از سال 1997 این وجوه/ سطوح هنوز هم به‌عنوان راهی برای مفهوم‌سازی جنبه‌های متفاوت سواد اطلاعاتی به‌کار می‌رود. یک نکته خاص از توصیف اختلاف در تجربه یک پدیده این است که لازم نیست تجربه‌های مختلف به‌عنوان «درست یا غلط» دسته‌بندی شوند، بلکه بیشتر، روش‌های مختلف مشاهده یا اقدام به چیزی مورد توجه است.

در پژوهش لیمبرگ (1999ب) که به مطالعه‌ای تجربی در یک محیط طبیعی با 25 دانش‌آموز دبیرستانی توجه داشت از روش پدیدارنگاری برای بررسی تنوع در شیوه تجربه‌کردن افراد از یک پدیده در جهان استفاده شد و در نهایت سه شیوه اصلی برای تجربه جستجو و بازیابی اطلاعات و استفاده از اطلاعات شناسایی شد که این مفاهیم شامل: الف) یافتن اطلاعات عینی یا واقعی¹، ب) ایجاد توازن اطلاعات برای انتخاب درست²، و ج) بررسی و تجزیه و تحلیل اطلاعات³ بودند. او ادعا کرد که تفاوت در جستجو و بازیابی اطلاعات و استفاده از آن با تفاوت در نتایج یادگیری درسی دانش‌آموزان با یکدیگر ارتباط تنگاتنگی دارند. یافته‌های او، مبنایی برای پژوهش‌هایی با بررسی تفاوت در شیوه و نوع تجربه کاربران در استفاده از محتوای اطلاعاتی بود.

در مطالعه‌ای دیگر، پژوهشگران استرالیایی با رویکرد پدیدارنگاری در پی درک و فهم باارزش و بااهمیت بودن «پژوهش» از دیدگاه پژوهشگران حوزه فناوری اطلاعات برآمدند. بروس و همکاران (2002)، در مجموع با یازده نفر مصاحبه‌های انفرادی نیمه‌ساختاریافته انجام دادند. آنها پس از پیاده‌سازی و تحلیل داده‌ها، پنج طبقه توصیفی از مفاهیم شامل: هدف‌های شخصی، جاری و به‌روزر بودن پژوهش، طرح پژوهش، نتایج برای کاربران نهایی و پژوهشگران قلمرو فناوری، و حل‌کردن مشکلات در دنیای واقعی را شناسایی کردند. هر کدام از مفاهیم در قالب نموداری ارائه شدند و فضای برون‌دادی (نتیجه) برای هر کدام به‌طور جداگانه ارائه شد. نتایج پژوهش نشان داد یک پژوهش در عرصه فناوری اطلاعات وقتی باارزش و مهم است که بتواند به پژوهشگر در رسیدن به اهداف شخصی‌اش کمک کند و این نتیجه برای تک‌تک مفاهیم اصلی و خرده مفاهیم قابل تبیین است.

¹ Fact-finding

² Balancing information in order to make correct choices

³ Scrutinizing and analyzing

همان‌گونه که اشاره شد کشف اختلاف در جستجو و بازیابی اطلاعات یکی از دغدغه‌های پژوهشگران قلمرو بازیابی اطلاعات بوده است. در این راستا، ادواردز و بروس (2006) با 32 دانشجوی از شش دانشکده دانشگاه کوئینزلند¹ از روش پدیدارنگاری مصاحبه کردند؛ در مجموع 44 مصاحبه با افرادی با تفاوت‌های فرهنگی، سنی، و جنسیتی انجام شد (از بعضی از مشارکت‌کنندگان چند مرتبه مصاحبه شد). در این پژوهش چهار طبقه توصیفی از تفاوت‌های دانشجویان در شیوه‌های متفاوت جستجو و بازیابی اطلاعات شناسایی و به شرح زیر ارائه شد.

طبقه 1. جستجو و بازیابی اطلاعات به‌مثابه جستجوی سوزن در انبار کاه²؛

طبقه 2. جستجو و بازیابی اطلاعات به‌مثابه یافتن راه از طریق ماز (مسیر معماگونه)³؛

طبقه 3. جستجو و بازیابی اطلاعات به‌مثابه ابزاری برای پالایش [محدودسازی دامنه جستجو]⁴؛ و

طبقه 4. جستجو و بازیابی اطلاعات به‌مثابه جستجوی فلزی کمیاب چون طلا⁵.

همچنین، در پژوهش دیگری که با رویکرد آمیخته کمی و کیفی در گروه فناوری اطلاعات دانشگاه کوئینزلند در یک نیمسال تحصیلی انجام شده بود، پژوهشگران در محیط ROSS⁶ به کشف تجربه مهارت‌های جستجوی مبتنی بر وب در دانشجویان پرداختند. پارتریچ و ادواردز (2006) پس از تحلیل داده‌های کمی و تحلیل مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته به این نتایج دست یافتند که از دیدگاه دانشجویان، استفاده از این محیط جستجو آسان و قابل فهم، انعطاف‌پذیر و کمک‌کننده است و درواقع استفاده از این محیط به‌عنوان یک فناوری جدید رضایت‌بخش، سودمند، و لذت‌بخش بود.

ویرکاس و بامیگولا (2011) برای شناسایی مفاهیم و تجربه‌های استفاده از ابزارهای وب 2، نزد دانشجویان کارشناسی ارشد با رویکرد پدیدارنگاری، به مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با پرسش‌های باز با دوازده دانشجوی کارشناسی ارشد آفریقایی و آسیایی پرداختند. با تحلیل داده‌ها چهار طبقه توصیفی از ابزارهای وب شامل مفاهیم ارتباطاتی⁷، مفاهیم آموزشی⁸، مفاهیم حرفه‌ای⁹، و مفاهیم چندمنظوره¹⁰ مشخص شد. برای هر طبقه از

¹ Queensland

² Looking for needle in a haystack

³ Finding a way through a maze

⁴ Using a tools as a filter

⁵ Panning For gold

⁶ Reflective Online Searching Skills (ROSS)

⁷ Communication

⁸ Educational

⁹ Professional

¹⁰ Multi- purpose

توصیف‌ها ابزارهای ترجیحی وب 2 شناسایی شدند. در همین راستا، ویوروگراسکا¹ (2015) در پژوهش اکتشافی خود به بررسی نیازهای اطلاعاتی دانشجویان دکتری روان‌شناسی در سه مؤسسه پژوهشی دانشگاه ورشو، دانشگاه لیل، و دانشگاه برکلی کالیفرنیا² برای شناسایی چالش‌ها و مشکلات اساسی دانشجویان دکتری در فرایند پژوهش پرداخت. این مطالعه شامل مقایسه چگونگی دسترسی دانشجویان دکتری به اطلاعات بازیابی‌شده، موانعی که مواجه می‌شدند، و انتخاب‌هایی که آنها در حال جستجوی اطلاعات انجام دادند، او در مطالعه مقدماتی که با دانشجویان دکتری لهستانی و فرانسوی انجام داده بود به این نتیجه رسید که نیازهای اطلاعاتی با رشته‌های علمی مرتبط‌اند.

در انگلیس نیز فورستر پژوهش‌های متعددی را در قلمرو سواد اطلاعاتی مبتنی بر شواهد طی سال‌های 2013 الی 2018 انجام داده است. وی در سال 2015 روش‌های تجربه سواد اطلاعاتی پرستاران را با رویکرد پدیدارنگاری بررسی کرد. فورستر منشأ مطالعه‌اش را ناآگاهی از شواهد موجود در این زمینه که «پرستاران چگونه و از چه راهی سواد اطلاعاتی را تجربه می‌کنند؟» بیان کرد و با 41 پرستار بریتانیایی مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته انجام داد. وی در این پژوهش به هفت مضمون و شش دسته توصیفی رسید که هر کدام از دسته‌های توصیفی سطح‌های مختلف پیچیدگی در تجربه سواد اطلاعاتی پرستاران را نشان می‌داد. نتایج این مطالعه می‌تواند چهارچوبی برای اهداف آموزش سواد اطلاعاتی مبتنی بر شواهد باشد.

سرانجام در این زمینه به پژوهشی اشاره می‌شود که در آن می‌بی و همکاران (2017) تجربه‌های اطلاعاتی برای شکل‌دهی بروندهای آموزشی را طراحی کردند. آنها از رویکرد پدیدارنگاری، تجربه‌های معلم و دانشجویان شاغل به تحصیل را در استفاده از اطلاعات با تمرکز بر زبان و جنسیت مطالعه و تحلیل کردند و از طریق گفتمان‌های علمی ارزیابی آنها را ارزیابی کردند. نتایج پژوهش آنها که به تجربه‌های دانشجویان و معلم توجه داشت، نشان داد تأثیرگذاری اطلاعات بر نتایج یادگیری از طریق تمرکز بر محتوای آموزشی بود و مشخص شد که چطور معلم می‌تواند درسی را ارائه دهد که دانشجویان بتوانند استفاده از اطلاعات را در شیوه‌هایی بیاموزند که به درک و فهم ویژه آنها منجر شود.

مرور پیشینه پژوهش‌هایی که از روش پدیدارنگاری استفاده کرده‌اند نشان می‌دهد در پژوهش‌هایی با این روش تمرکز بر تنوع تجربه پدیده به‌جای در نظر گرفتن کل پدیده، باعث شده است تا ابعاد جدیدی از پدیده برای افراد ظاهر شود. این روش که پژوهشگران کتابداری و اطلاع‌رسانی از اوایل دهه 90 میلادی به آن توجه کرده‌اند به‌شکلی توانسته است نوع نگاه پژوهشگران را به مطالعات قلمرو شناخت تجربه‌های کاربران تغییر دهد

¹ Wiorogrńska

² Warsaw, Lille, and University of California, Berkeley

(بروس، 1999؛ لیمبرگ، 2000؛ فیتزجرالد و گالوی¹، 2001؛ ادواردز و بروس، 2006). پیش از آن، پژوهشگران از روش‌های متعدد کیفی و کمی در زمینه مطالعات کاربران استفاده کرده‌اند، اما کمتر به تنوع در تجربه‌های منحصر به فرد کاربران که در پدیدارنگاری بررسی می‌شود، توجه داشته‌اند. برای نمونه و همان‌طور که هم در جدول 1 و مرور پیشینه‌ها مشاهده می‌شود، گروه‌هایی که با رویکرد پدیدارنگاری در این قلمرو مورد مطالعه قرار گرفتند، مفاهیمی چون یافتن سوزن در انبار کاه و عبور از مسیر ماز را به تجربه جستجو و بازیابی اطلاعات در فرایند پژوهش نسبت داده بودند و برخی، این تجربه را آسان، قابل فهم، انعطاف‌پذیر، و... توصیف کردند. همان‌طور که در مرور پیشینه‌ها دیده می‌شود، در واقع این توصیف‌ها، ذهنیت افراد را درباره پدیده مورد مطالعه به عینیت رسانده و نوع احساسی که فرد از تجربه آن داشته است را کشف می‌کند. همچنین پژوهشگری که در زمینه مورد مطالعه تخصص و تبحر داشته باشد، می‌تواند با پرسش‌های متعدد در مصاحبه به مدل ذهنی فرد در آن زمینه موضوعی دست یابد، این مسئله که افراد چگونه درباره یک پدیده فکر می‌کنند و آن را چگونه تجربه می‌کنند، دارای اهمیت زیادی است که می‌تواند در نوع ارائه محصولات و خدمات به جامعه هدف در راستای پدیده مورد مطالعه و بهبود وضع موجود کمک کند. پژوهشگران پدیدارنگار با بررسی تجربه پدیده‌های مورد مطالعه، به کشف آنچه کاربران در زمینه موضوعی‌ای مدنظر، درک می‌کنند، می‌پردازند. با در دست داشتن این تجربه‌ها و مفاهیم و دسته‌های توصیفی به دست آمده از این پژوهش‌ها می‌توان با نگاهی جدید در پی حل مسائل و مشکلاتی بود که در قلمرو جستجو و بازیابی اطلاعات وجود دارد. بنابر آنچه گفته شد ضرورت انجام پژوهش‌هایی با این روش سال‌هاست به چشم می‌خورد و در ایران نیاز توجه به پژوهش‌هایی از این دست به شدت احساس می‌شود.

نتیجه‌گیری

پدیدارنگاری، اساس کار خود را بر تجارب متفاوت افراد از یک پدیده قرار می‌دهد و سعی در ارائه توصیفی عمیق از یک پدیده معین نزد گروهی خاص از افراد دارد (مارتون، 1994). در این روش از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته به عنوان ابزار گردآوری داده استفاده می‌شود و گاهی از مشارکت‌کنندگان در پژوهش خواسته می‌شود که پرسش‌های مصاحبه را در قالب متن پاسخ دهند تا پژوهشگر بتواند تحلیل دقیق‌تری انجام دهد. یکی از زمینه‌های مناسب برای انجام پژوهش‌های پارادایم تفسیری از نوع روش پدیدارنگاری، پژوهش‌های حوزه بازیابی اطلاعات است که در علم اطلاعات و دانش‌شناسی اهمیت زیادی دارد.

¹ Fitzgerald & Galloway

در سامانه‌های بازیابی اطلاعات تلاشی دوسویه در جریان است. ازسویی، طراحان این سامانه‌ها در طراحی ابزارهای ذخیره و بازیابی اطلاعات و ایجاد فنون لازم برای سازماندهی می‌کوشند و از سوی دیگر، کاربران تلاش می‌کنند مهارت‌های لازم برای جستجوی اطلاعات را بیاموزند و به‌نوعی راهبرد کاوش نظام‌مند¹ را به‌کارگیرند (خسروی، فتاحی، پریخ، و دیانی، 1391). برای به‌ثمر رسیدن این تلاش، اگر بتوان پیوندی میان آنچه کاربران در زمان جستجو و بازیابی اطلاعات تجربه می‌کنند با آنچه طراحان و ارزیابان سامانه‌های اطلاعاتی برای طراحی و بهبود سامانه‌ها به‌دنبال آن هستند برقرار کرد، می‌توان گام بزرگی در این قلمرو برداشت.

در راستای برقراری این پیوند، جستجوی‌های زیادی درباره پژوهش‌های قلمرو بازیابی اطلاعات انجام شد. با مرور پژوهش‌های مختلفی که در زمینه مطالعات کاربران انجام شده است و همچنین مرور بررسی‌های انجام‌شده درباره سیر تاریخ تحول روش‌شناسی پژوهش‌های این قلمرو (کلی، 2009)، مشخص شد که تا به امروز، دست‌کم در ایران، مطالعات اندکی برای شناسایی این مسئله که «نوع برداشت و فهم جستجوگران در زمینه رویکرد جستجو و بازیابی اطلاعات مورد نیازشان چگونه است؟» انجام شده است. همچنین، کمتر پژوهشی به کشف تفاوت در تجربه جستجوگران در محیط‌ها، سطوح دانشگاهی، و موضوعات مختلف تجربه‌های آنان در حین جستجو و بازیابی اطلاعات توجه کرده است. بروس (1999) و فیتزجرالد و گالوی (2001) بر این باورند که با توجه به ارزش این موضوع، بررسی آن اهمیت زیادی دارد. در واقع، در روش کیفی پدیدارنگاری با پرسش‌هایی که در مصاحبه پرسیده می‌شود، نمودی از پدیده برای افراد ظاهر می‌شود که با بیان آن، تجربه واقعی فرد از ذهنیت فرد به عینیت می‌رسد. همان‌طور که در مطالب پیشین می‌بینید، مرور مقالات، تفاوت در تجربه افراد در پدیده‌ای واحد را نشان می‌دهد که به‌احتمال این امر می‌تواند جاذبه‌ای ویژه برای پژوهشگران علاقه‌مند و کنجکاو برای انجام پژوهش‌هایی از نوع اکتشافی-تجربی-تفسیری را فراهم آورد. همچنین توجه به تجربه‌های کاربران می‌تواند به ما در ایجاد چهارچوبی برای کمک به آنها در انجام جستجوی رضایت‌بخش‌تر کمک کند و چهارچوب‌های مؤثرتری برای آموزش سواد اطلاعاتی مبتنی بر شواهد² ارائه دهد (فورستر، 2013؛ 2015). به باور بروس (1999)، نتایج پژوهش‌های پدیدارنگاری می‌تواند جدای از مبانی نظری

¹ این کاوش، راهبردی سازمان‌یافته مبتنی بر اصل برنامه‌ریزی جستجو بوده و براساس چهارعنصر متوالی (چه چیزی، چه جایی، چه واژه‌ای، و چه روش کاری) است.

² Evidence-based practice

از آنجایی که در پژوهش‌های با رویکرد پدیدارنگاری با هر مشارکت‌کننده مصاحبه می‌شود و مبتنی بر شواهد موجود به دسته‌بندی‌های توصیفی می‌رسد، می‌توان بر مبنای آن شواهد مداخلاتی در پژوهش‌های آینده انجام داد.

مفیدی که دارند، در عرصه عمل برای طراحان، آموزش دهندگان، و ارزیابان سامانه‌های بازیابی اطلاعات بسیار مفید و کارگشا باشد.

درواقع، پدیدارنگاری با توصیف و تفسیر تفاوت‌ها می‌کوشد دیدی جامع نسبت به موضوع بررسی شده ارائه دهد. همچنین این روش با شمارش و درک پدیده‌ها از نظر گروه‌های خاصی از کاربران، می‌تواند درکی ژرف‌تر، روشن‌تر، و کامل‌تری را نسبت به بسیاری از پرسش‌های مطرح در عرصه پژوهش‌های رفتار اطلاع‌یابی فراهم آورد. این روش پژوهش ضمن توصیف برداشت کاربران از تجربه آنها در جستجو و بازیابی اطلاعات، نگرشی جدید به قلمرو مطالعات کاربران نهایی وارد می‌سازد، و دست‌اندرکاران این قلمرو را با رویکردی جدید، نسبت به موضوع آشنا می‌کند و زمینه دقیق‌تری برای فعالیت و عمل آنها به وجود می‌آورد. تجربه‌های منحصر به فرد کاربران ایده‌هایی را دربردارد که از پتانسیل تغییر در سامانه‌های بازیابی برخوردار است. بااهمیت است که در این زمینه، از روش‌هایی (مانند روش کیفی پدیدارنگاری) بهره گرفت که تجربه کاربران در جریان درک نیاز، جستجو اطلاعات و استفاده از اطلاعات را آشکار می‌کنند.

بنابراین، با توجه به آنچه گفته شد و از آنجایی که پژوهش در قلمرو بازیابی اطلاعات و رفتار کاربر نهایی گسترده و پیچیده است، پیشنهاد می‌شود پژوهشگران این قلمرو مطالعات خود را به سمت پارادایم تفسیری مانند روش پژوهش کیفی پدیدارنگاری سوق دهند تا بدین واسطه بتوانند به کشف جنبه‌های عمیق و نیز تفاوت در تجربه‌های منحصر به فرد کاربران دست یابند. در نتیجه، انجام چنین پژوهشی می‌تواند نتایج جدیدی به جامعه پژوهشی ارائه دهد و هر یک از این موارد می‌توانند ایده‌هایی به‌ویژه برای آموزش و نیز شکل‌دهی به طراحی سامانه‌های بازیابی اطلاعات متناسب با نیازها و رفتارهای متفاوت کاربران پیش روی گذارند.

مآخذ

- پائو، میراندا لی (1378). مفاهیم بازیابی اطلاعات (اسدالله آزاد و رحمت‌الله فتاحی، مترجمان). مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد (نشر اثر اصلی 1989).
- خسروی، عبدالرسول؛ فتاحی، رحمت‌الله؛ پریخ، مهری؛ و دیانی، محمدحسین (1391). تحلیل بسط جستجوی کاربران در موتور کاوش گوگل بر پایه نظریه بارشناختی، کتابداری و اطلاع‌رسانی، 15 (2)، 9-34.
- دانایی‌فرد، حسن؛ کاظمی، حسین (1389). ارتقای پژوهش‌های تفسیری در سازمان: مروری بر مبانی فلسفی و فرایند اجرای روش پدیدارنگاری. مطالعات مدیریت (بهبود و تحول)، 17 (61)، 121-147.
- کرسول، جان (1391). پوشش کیفی و طرح پژوهش: انتخاب از میان پنج رویکرد (روایت پژوهی، پدیدارشناسی، نظریه داده‌بنیاد، قوم‌نگاری، مطالعه موردی) (حسن دانایی‌فرد و حسین کاظمی، مترجمان). تهران: صفار؛ اشراقی (نشر اثر اصلی 2007).
- محمدپور، احمد (1390). روش تحقیق کیفی ضد روش (جلد دوم). تهران: جامعه‌شناسان.

- Akerlind, G. S. (2008). A phenomenographic approach to developing academics' understanding of the nature of teaching and learning. *Teaching in Higher Education*, 13 (6), 633-644.
- Allen, B. L. (1991). Cognitive research in information science: Implications for design. *Annual Review of Information Science and Technology*, 26, 3-37.
- Andersson, E. K., Willman, A., Sjöström-Strand, A., & Borglin, G. (2015). Registered nurses' descriptions of caring: a phenomenographic interview study. *BMC Nursing*, 14. Retrieved June 10, 2019, from <http://lup.lub.lu.se/search/ws/files/3592181/8409222>
- Andretta, S. (2007). Phenomenography: a conceptual framework for information literacy education. *Aslib Proceedings*, 59 (2), 152-168.
- Barnard, A., McCosker, H., & Gerber, R. (1999). Phenomenography: a qualitative research approach for exploring understanding in health care. *Qualitative Health Research*, 9 (2), 212-226.
- Belkin, N. J. (1980). Anomalous states of knowledge as a basis for information retrieval. *Canadian Journal of Information and Library Science*, 5, 133-143.
- Belkin, N. J. (1990). The cognitive viewpoint in information science. *Journal of Information Science*, 16 (1), 11-15.
- Brew, A. (2001). Conceptions of research: a phenomenographic study. *Studies in Higher Education*, 26 (3), 271-285.
- Bruce, C. S. (1994). Research students' early experiences of the dissertation literature review. *Studies in Higher Education*, 19 (2), 217-229.
- Bruce, C. S. (1997). *The Seven Faces of Information Literacy*. Adelaide: Auslib Press.
- Bruce, C. S. (1999). Phenomenography: Opening a new territory for library and information science research. *The New Review of Information and Library Research*, 5 (1), 31-48.
- Bruce, C., Pham, B., & Stoodley, I. (2002). The collective consciousness of information technology research: the significance and value of research project. Retrieved June 9, 2019, from <https://eprints.qut.edu.au/3234/>
- Bruce, C. S. (1992). Research students' conceptions of a literature review. Unpublished doctoral dissertation, Queensland University of Technology, Brisbane, Queensland, Australia.
- Cossham, A. F. (2017). An evaluation of phenomenography. *Library and Information Research*, 41(125), 17-31.
- Dervin, B., & Nilan, M. (1986). Information needs and uses. In *Annual Review of Information Science and Technology*, 21, 3-33.
- Diehm, R. A., & Lupton, M. (2012). Approaches to learning information literacy: a phenomenographic study. *The Journal of Academic Librarianship*, 38 (4), 217-225.
- Edwards, S. L. (2004). Web-based information searching: Understanding student experiences in order to enhance the development of this critical graduate attribute. In P. A. Danaher, C. Macpherson, F. Nouwens, and D. Orr (Eds.), *Lifelong Learning: Whose Responsibility and What is Your Contribution: Proceedings of the 3rd International Lifelong Learning Conference*, June 13-16, (pp. 106-115). Retrieved June 8, 2019, from https://eprints.qut.edu.au/996/1/Web_searching_Submitted_with_citation.pdf
- Edwards, S. L., & Bruce, C. (2004). The assignment that triggered change: Assessment and the relational learning model for generic capabilities. *Assessment & Evaluation in Higher Education*, 29 (2), 141-157.
- Edwards, S. L., & Bruce, C. S. (2006). Panning for gold: Understanding students' information searching experiences. *Transforming IT Education: Promoting a Culture of Excellence*, 351-369. Retrieved June 8, 2019, from <https://eprints.qut.edu.au/990/2/990.pdf>
- Fidel, R. (1993). Qualitative Methods in information retrieval research. *Library and Information Science Research*, 15, 219-247.
- Fitzgerald, M., & Galloway, C. (2001). Helping students use digital libraries effectively. *Teacher Librarian*, 29 (1), 8-15.

- Forster, M. (2013). Information literacy as a facilitator of ethical practice in the professions. *Journal of Information Literacy*, 7 (1), 18-29.
- Forster, M. (2015). Six ways of experiencing information literacy in nursing: the findings of a phenomenographic study. *Nurse Education Today*, 35 (1), 195-200.
- Forster, M. (2018). "Ethnographic" thematic phenomenography: a methodological adaptation for the study of information literacy in an ontologically complex workplace. *Journal of Documentation*, 75 (2), 349-365.
- Gross, M., & Latham, D. (2011). Experiences with and perceptions of information: a phenomenographic study of first-year college students. *The Library Quarterly*, 81 (2), 161-186.
- Ingwersen, P., & Järvelin, K. (2005). *The Turn: Integration of information seeking and retrieval in context*. Berlin: Springer.
- Julen, H. (1996). A content analysis of the recent information needs and uses literature. *Library and Information Science Research*, 18 (1), 53-65.
- Kelly, D. (2009). Methods for evaluating interactive information retrieval systems with users. *Foundations and Trends in Information Retrieval*, 3 (1-2), 1-224.
- Kuhlthau, C. C. (1993). *Seeking meaning: a process approach to library and information services*. Norwood: Ablex.
- Larsson, J., & Holmström, I. (2007). Phenomenographic or phenomenological analysis: Does it matter? Examples from a study on anaesthesiologists' work. *International Journal of Qualitative Studies on Health and Well-being*, 2 (1), 55-64.
- Limberg, L. (1998). Information seeking and learning outcomes. *Scandinavian Public Library Quarterly*, 31, 28-30.
- Limberg, L. (1999a). Experiencing information seeking and learning: a study of the interaction between two phenomena. *Information Research*, 5 (1), 1-5.
- Limberg, L. (1999b). Three Conceptions of information seeking and use. In D. K. Allen & T. D. Wilson (Eds.), *Exploring the contexts of information behaviour*. Proceedings of the Second international conference on research in Information Needs, seeking and use in different contexts, August 13-15, (pp. 116-135), London: Taylor Graham. Retrieved June 8, 2019, from <http://citeseerx.ist.psu.edu/viewdoc/download?doi=10.1.1.99.8919&rep=rep1&type=pdf>
- Limberg, L. (2000a). Is there a relationship between information seeking and learning outcomes? In C. Bruce & P. Candy (Eds.), *Information Literacy Programs Around the World: Advances in Programs and Research* (pp. 193-207). Wagga Wagga: Centre for Information Studies, Charles Sturt University.
- Limberg, L. (2000b). Phenomenography: a relational approach to research on information needs, seeking and use. *The New Review of Information Behaviour Research*, 1, 51-67.
- Limberg, L., & Sundin, O. (2006). Teaching information seeking: Relating information literacy education to theories of information behaviour. *Information Research: an International Electronic Journal*, 12 (1). Retrieved June 9, 2019, from <http://informationr.net/ir/12-1/paper280.html>
- Linder, C., & Marshall, D. (2003). Reflection and phenomenography: Towards theoretical and educational development possibilities. *Learning and Instruction*, 13 (3), 271-284.
- Marton, F. (1981). Phenomenography: Describing conceptions of the world around us. *Instructional science*, 10 (2), 177-200.
- Marton, F. (1986). Phenomenography: a research approach to investigating different understandings of reality. *Journal of Thought*, 21 (3), 28-49.
- Marton, F. (1994). Phenomenography. In *International Encyclopaedia of Education*, T. Husen and T. N. Postlethwaite (Eds.). (Vol. 8, pp. 4424 -4429). Oxford: Pergamon.
- Marton, F., & Booth, S. (2013). *Learning and awareness*. New York: Routledge.
- Maybee, C. (2006). Undergraduate perceptions of information use: the basis for creating user-centered student information literacy instruction. *Journal of Academic Librarianship*, 32 (1), 79-85.
- Maybee, C. (2006). Undergraduate perceptions of information use: the basis for creating user-centered student information literacy instruction. *The Journal of Academic Librarianship*, 32 (1), 79-85.

- Maybee, C., Bruce, C. S., Lupton, M., & Rebmann, K. (2017). Designing rich information experiences to shape learning outcomes. *Studies in Higher Education*, 42 (12), 2373-2388.
- McCosker, H., Barnard, A., & Gerber, R. (2003). Phenomenographic study of women's experiences of domestic violence during the childbearing years. *Online Journal of Issues in Nursing*, 7 (1), 1-13
- Partridge, H. L., Thorpe, C. E., & Edwards, S. L. (2007). The practitioner's experience and conception of evidence based library and information practice: an exploratory analysis. In *Proceedings 4th International Evidence Based Library and Information Practice Conference*, May 6-11. Chapel Hill-Durham, NC, USA. Retrieved June 9, 2019, from <https://eprints.qut.edu.au/9946/1/9946.pdf>
- Partridge, H., McAllister, L., Toohey, L., Field, R., Crowe, J., & Allcock, A. (2018). Understanding the information experiences of parents involved in negotiating post-separation parenting arrangements. *Journal of Librarianship and Information Science*. Retrieved June 10, 2019, from <https://doi.org/10.1177/0961000618787604>
- Partridge, H., & Edwards, S. L. (2006). The rippling pond: Ruminations and other musings on the development and use of an online learning environment. In C. S. Bruce, G. Mohay, G. Smith, I. Stoodley, & R. Tweedale (Eds.), *Transforming IT Education: Promoting a Culture of Excellence* (pp. 257-274). Santa Rosa, California: Informing Science Press.
- Rose, E., Le Heron, J., & Sofat, I. (2005). Student understandings of information systems design, learning and teaching: a phenomenography approach. *Journal of Information Systems Education*, 16 (2), 183-196.
- Sayyad Abdi, E., Partridge, H., & Bruce, C. (2013). Website designers: How do they experience information literacy? *The Australian Library Journal*, 62 (1), 40-52.
- Sayyad Abdi, E., Partridge, H., & Bruce, C. (2016). Web designers and developers experiences of information literacy: a phenomenographic study. *Library & Information Science Research*, 38 (4), 353-359.
- Svensson, L. (1997). Theoretical foundations of phenomenography. *Higher Education Research & Development*, 16 (2), 159-171.
- Virkus, S., & Bamigbola, A. A. (2011). Students' conceptions and experiences of web 2.0 tools. *New Library World*, 112 (11-12), 479-489.
- Westbrook, L. (1997). User needs. In A. Kent (Ed.), *Encyclopedia Of library and Information Science* (pp. 316-347). New York: Marcel Dekker, Inc.
- Wilson, T. D. (1981). On user studies and information needs. *Journal of Documentation*, 37 (1), 3-15.
- Wiorogórska, Z. (2015). Field-Specific information needs of doctoral students in psychology. a comparative study. In S. Kurbanoglu, J. Boustany, S. Spiranec, E. S. Grassian, D. Mizrachi, & L. Roy (Eds.), *Information literacy: Moving toward sustainability. Third European conference on information literacy*, october 19-22, (pp. 375-382). Cham: Springer.
- Yates, C. (2015). Exploring variation in the ways of experiencing health information literacy: a phenomenographic study. *Library and Information Science Research*, 37 (3), 220-227.
- Yates, C., Partridge, H. L., & Bruce, C. S. (2012). Exploring information experiences through phenomenography. *Library and Information Research*, 36 (112), 96-119.

استناد به این مقاله:

ریگی، طاهره؛ دیانی، محمدحسین؛ و فتاحی، رحمت‌الله (1398). پدیدارنگاری: روش پژوهش کیفی در مطالعات قلمرو بازیابی اطلاعات. *مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات*, 30 (2), 18-38.